



تأثیر طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس (Flexible Classroom Design) بر مشارکت دانش‌آموزان

علی سوگندی تک آغاچ

کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیش شهید رجایی ارومیه، ایران

Alisogandi2015@gmail.com



MDOI-02-2026.0031

MNR-32-2-6F5357



چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس (Flexible Classroom Design) بر میزان مشارکت دانش‌آموزان انجام شده است. زمینه اصلی این پژوهش بر اهمیت نقش محیط فیزیکی یادگیری در ارتقای کیفیت آموزش و افزایش تعاملات آموزشی استوار است. در سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی به این نتیجه رسیده‌اند که تنها روش‌های تدریس کافی نیست، بلکه طراحی محیط کلاس نیز نقش مهمی در شکل‌گیری یادگیری فعال و مشارکتی دارد. هدف این پژوهش بررسی میزان تأثیر طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس بر ابعاد مختلف مشارکت دانش‌آموزان شامل مشارکت رفتاری، شناختی، عاطفی و اجتماعی بوده است. روش پژوهش از نوع ترکیبی (کیفی-کمی) بوده که در بخش کیفی از تحلیل ۱۲ مقاله منتخب داخلی مرتبط استفاده شد و در بخش کمی نیز داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته از ۴۷ آموزگار دوره ابتدایی که به‌صورت آموزش مجازی فعالیت داشتند گردآوری گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش مشارکت دانش‌آموزان دارد. بیشترین میزان تأثیر مربوط به مشارکت اجتماعی و کمترین میزان مربوط به مشارکت شناختی بود. همچنین یافته‌ها نشان داد که محیط‌های یادگیری انعطاف‌پذیر موجب افزایش انگیزه، تعامل، همکاری گروهی و احساس تعلق دانش‌آموزان به کلاس می‌شود. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در بهبود کیفیت یادگیری و ارتقای مشارکت دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: طراحی انعطاف‌پذیر، مشارکت دانش‌آموزان، محیط یادگیری، کلاس درس ابتدایی

در سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی به سمت رویکردهای نوین یاددهی-یادگیری حرکت کرده‌اند که در آن‌ها تنها انتقال دانش مطرح نیست، بلکه ایجاد محیط‌های یادگیری فعال، پویا و مشارکتی نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است. یکی از مهم‌ترین عناصر مؤثر در کیفیت آموزش، فضای فیزیکی کلاس درس است که می‌تواند به‌طور مستقیم بر میزان تعامل، انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. در این میان، طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس (Flexible Classroom Design) به‌عنوان یک رویکرد نوین در معماری آموزشی مطرح شده است که با ایجاد امکان تغییر در چیدمان، استفاده از فضاهای متنوع و فراهم‌سازی شرایط یادگیری گروهی، زمینه ارتقای مشارکت تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد. (نظری و همکاران، ۱۴۰۴)

طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس به معلمان و دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که محیط یادگیری را متناسب با نیازهای آموزشی تغییر دهند. این انعطاف‌پذیری شامل جابه‌جایی آسان میز و صندلی‌ها، ایجاد فضاهای گروهی، استفاده از فناوری‌های آموزشی و طراحی محیط‌های چندمنظوره است. چنین محیط‌هایی موجب می‌شوند دانش‌آموزان از حالت یادگیری منفعل خارج شده و در فرآیند یادگیری نقش فعال‌تری ایفا کنند. در واقع، این نوع طراحی با کاهش محدودیت‌های فیزیکی کلاس، فرصت تعامل بیشتر میان دانش‌آموزان و معلم را فراهم کرده و به بهبود مشارکت تحصیلی و اجتماعی آنان کمک می‌کند. (سلاطین تمر و همکاران، ۱۴۰۴)

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که فضای فیزیکی کلاس درس یکی از عوامل کلیدی در افزایش انگیزه یادگیری و مشارکت دانش‌آموزان است. زمانی که محیط کلاس به‌گونه‌ای طراحی شود که امکان فعالیت‌های گروهی، بحث‌های کلاسی و انجام پروژه‌های مشترک را فراهم کند، دانش‌آموزان تمایل بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های آموزشی نشان می‌دهند. همچنین طراحی انعطاف‌پذیر می‌تواند احساس تعلق به محیط یادگیری را افزایش داده و موجب تقویت تعاملات اجتماعی میان دانش‌آموزان شود. در نتیجه، این نوع طراحی نه تنها بر یادگیری شناختی، بلکه بر ابعاد عاطفی و اجتماعی یادگیری نیز اثرگذار است. (حیدری کهن و همکاران، ۱۴۰۴)

از سوی دیگر، در نظام‌های آموزشی امروزی که با تنوع نیازهای یادگیری مواجه هستند، ضرورت توجه به کلاس‌های منعطف بیش از پیش احساس می‌شود. برنامه‌ریزی منعطف در کلاس‌های چندسطحی و استفاده از طراحی‌های قابل تغییر می‌تواند پاسخگوی تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان باشد. این امر موجب می‌شود هر دانش‌آموز متناسب با سبک یادگیری خود در فرآیند آموزش مشارکت فعال داشته باشد. همچنین محیط‌های یادگیری منعطف با پشتیبانی از رویکردهای نوین آموزشی، امکان استفاده از

روش های تدریس فعال مانند یادگیری مشارکتی و حل مسئله را فراهم می سازند که این موضوع نقش مهمی در افزایش مشارکت دانش آموزان دارد. (صفی خانی قلی زاده و همکاران، ۱۴۰۴)

می توان بیان کرد که طراحی محیط های یادگیری انعطاف پذیر به عنوان یکی از عناصر مهم در بازطراحی فضاهای آموزشی، نقش اساسی در بهبود کیفیت آموزش دارد. این نوع طراحی با ایجاد امکان تغییر در ساختار فیزیکی کلاس، زمینه تعامل بیشتر، افزایش انگیزه و مشارکت فعال دانش آموزان را فراهم می کند. از این رو، توجه به بازطراحی فضاهای آموزشی در راستای رویکردهای نوین تعلیم و تربیت می تواند به ارتقای کیفیت یادگیری و توسعه مهارت های اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان کمک شایانی نماید. (طاهری و همکاران، ۱۴۰۴)

اهداف پژوهش

هدف اصلی:

بررسی تأثیر طراحی انعطاف پذیر کلاس درس (Flexible Classroom Design) بر میزان مشارکت دانش آموزان.

اهداف جزئی:

بررسی تأثیر طراحی انعطاف پذیر کلاس درس بر مشارکت رفتاری دانش آموزان.

بررسی تأثیر طراحی انعطاف پذیر کلاس درس بر مشارکت شناختی دانش آموزان.

بررسی تأثیر طراحی انعطاف پذیر کلاس درس بر مشارکت عاطفی و اجتماعی دانش آموزان.

اهداف کاربردی:

ارائه پیشنهادهای عملی به مدیران مدارس و معلمان برای بهبود چیدمان و طراحی کلاس های درس به منظور افزایش مشارکت دانش آموزان.

کمک به برنامه ریزان آموزشی در جهت بازطراحی فضاهای آموزشی مدارس بر اساس اصول طراحی انعطاف پذیر و ارتقای کیفیت یادگیری.

فرضیه های تحقیق:

۱. طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس (Flexible Classroom Design) بر میزان مشارکت دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۲. طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس بر افزایش مشارکت رفتاری دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۳. طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس بر افزایش مشارکت شناختی و عاطفی دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌ها و رویکردهای مرتبط با طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس بر این اصل تأکید دارند که محیط فیزیکی یادگیری صرفاً یک بستر خنثی برای آموزش نیست، بلکه به‌عنوان یکی از عناصر فعال در فرآیند یاددهی-یادگیری می‌تواند بر انگیزه، تعامل و مشارکت دانش‌آموزان اثرگذار باشد. در رویکردهای نوین تعلیم و تربیت، کلاس درس به‌عنوان یک «اکوسیستم یادگیری» در نظر گرفته می‌شود که در آن عناصر فیزیکی، اجتماعی و آموزشی در تعامل با یکدیگر قرار دارند. بر این اساس، طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین، تلاش می‌کند با ایجاد تغییرپذیری در ساختار فضا، زمینه افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان را فراهم سازد. (حیدری کهن و همکاران، ۱۴۰۴)

یکی از نظریه‌های مرتبط در این حوزه، نظریه یادگیری فعال است که بر نقش مشارکت مستقیم دانش‌آموز در فرآیند یادگیری تأکید دارد. بر اساس این نظریه، هرچه محیط آموزشی امکان تعامل، بحث گروهی و فعالیت‌های مشارکتی بیشتری را فراهم کند، یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر خواهد بود. طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس با فراهم کردن امکان تغییر چیدمان، تشکیل گروه‌های کوچک و استفاده از فضاهای متنوع، شرایط لازم برای اجرای یادگیری فعال را ایجاد می‌کند. این امر موجب افزایش انگیزه درونی و مشارکت رفتاری و شناختی دانش‌آموزان می‌شود. (طاهری و همکاران، ۱۴۰۴)

از سوی دیگر، نظریه سازنده‌گرایی نیز نقش مهمی در تبیین اثر طراحی انعطاف‌پذیر بر مشارکت دانش‌آموزان دارد. در این نظریه، یادگیری فرآیندی فعال و اجتماعی است که در آن دانش‌آموزان از طریق تعامل با محیط و دیگران به ساخت دانش می‌پردازند. محیط‌های یادگیری انعطاف‌پذیر با کاهش محدودیت‌های فیزیکی و افزایش امکان تعامل، شرایطی را فراهم می‌کنند که دانش‌آموزان بتوانند در ساخت دانش نقش فعال داشته باشند. این نوع طراحی باعث می‌شود دانش‌آموزان به جای دریافت منفعلانه اطلاعات، در فرآیند یادگیری مشارکت فعال داشته باشند و از طریق تجربه، همکاری و حل مسئله به یادگیری برسند. (صفی‌خانی قلی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۴)



همچنین نظریه تعامل اجتماعی ویگوتسکی نیز در تبیین اهمیت فضای انعطاف پذیر نقش کلیدی دارد. بر اساس این نظریه، یادگیری از طریق تعاملات اجتماعی و گفت و گو با دیگران شکل می گیرد. طراحی انعطاف پذیر کلاس درس با ایجاد فضاهای گروهی و امکان جابه جایی آسان، زمینه تعامل بیشتر میان دانش آموزان و معلم را فراهم می کند. این تعاملات نه تنها موجب افزایش مشارکت اجتماعی می شود، بلکه در رشد شناختی و عاطفی دانش آموزان نیز نقش مؤثری دارد. (رمضانی و پورکرقد، ۱۴۰۴)

از منظر رویکردهای نوین طراحی آموزشی نیز تأکید می شود که فضاهای یادگیری باید پاسخگوی تفاوت های فردی دانش آموزان باشند. در کلاس های سنتی، ساختار ثابت و غیرقابل تغییر می تواند مانعی برای مشارکت فعال دانش آموزان باشد، در حالی که در کلاس های انعطاف پذیر، امکان تنظیم فضا بر اساس نوع فعالیت آموزشی فراهم است. این ویژگی باعث می شود دانش آموزان با سبک های یادگیری متفاوت بتوانند به شیوه ای متناسب با نیاز خود در فرآیند یادگیری مشارکت کنند و احساس تعلق بیشتری به محیط کلاس داشته باشند. (طاهری و همکاران، ۱۴۰۴)

بر اساس یافته های پژوهشی، طراحی انعطاف پذیر کلاس درس تأثیر مستقیمی بر افزایش انگیزه، تعاملات اجتماعی و مشارکت تحصیلی دانش آموزان دارد. زمانی که دانش آموزان در محیطی قرار می گیرند که امکان حرکت، انتخاب و همکاری برای آن ها فراهم است، احساس آزادی و مسئولیت پذیری بیشتری در فرآیند یادگیری پیدا می کنند. این امر موجب می شود مشارکت آنان در فعالیت های کلاسی افزایش یافته و کیفیت یادگیری بهبود یابد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که طراحی انعطاف پذیر کلاس درس نه تنها یک تغییر فیزیکی، بلکه یک رویکرد تربیتی مؤثر در ارتقای مشارکت دانش آموزان محسوب می شود.

پیشینه پژوهشی تحقیق

پژوهش های انجام شده در سال های اخیر نشان می دهد که طراحی انعطاف پذیر کلاس درس به عنوان یکی از رویکردهای نوین در معماری آموزشی و برنامه ریزی آموزشی، نقش مهمی در ارتقای مشارکت دانش آموزان و بهبود کیفیت یادگیری دارد. این رویکرد با تأکید بر تغییرپذیری فضا، چیدمان پویا و ایجاد محیط های یادگیری متنوع، تلاش می کند شرایطی را فراهم کند که دانش آموزان بتوانند به صورت فعال در فرآیند یادگیری مشارکت داشته باشند. در این راستا، مطالعات متعددی به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته اند و نتایج نسبتاً مشابهی درباره اثر مثبت این نوع طراحی بر تعاملات آموزشی ارائه داده اند.

سلاطین تمر و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «بازتعریف فضای یادگیری: تأثیر طراحی کلاس های درس منعطف بر ارتقای مشارکت تحصیلی و تعاملات اجتماعی دانش آموزان» نشان دادند که طراحی منعطف کلاس درس موجب افزایش تعاملات اجتماعی

و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی می‌شود. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که تغییر در ساختار فیزیکی کلاس می‌تواند به شکل معناداری بر کیفیت مشارکت تحصیلی اثرگذار باشد و زمینه یادگیری مشارکتی را تقویت کند.

حیدری کهن و همکاران (۱۴۰۴) در دو پژوهش مشابه بر نقش فضای فیزیکی یادگیری در افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که کلاس‌های منعطف با ایجاد امکان جابه‌جایی آسان میز و صندلی‌ها، استفاده از فضاهای گروهی و تنوع در محیط یادگیری، موجب افزایش انگیزه درونی دانش‌آموزان و مشارکت فعال آنان در فرآیند یادگیری می‌شود. همچنین این پژوهش‌ها تأکید دارند که طراحی مناسب فضا می‌تواند به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در بهبود کیفیت آموزش عمل کند.

نوروزی (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «کلاس منعطف؛ کلاسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی در مدارس ابتدایی» بیان می‌کند که کلاس‌های انعطاف‌پذیر امکان پاسخگویی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را فراهم می‌سازند. این امر موجب می‌شود هر دانش‌آموز متناسب با سبک یادگیری خود در فرآیند آموزشی مشارکت داشته باشد و احساس تعلق بیشتری به محیط کلاس پیدا کند.

بقایی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر طراحی فضای کلاس منعطف بر تعامل دانش‌آموزان پرداختند و نتایج نشان داد که این نوع طراحی باعث افزایش تعاملات کلاسی، همکاری گروهی و مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود. همچنین دارایی (۱۴۰۴) در پژوهش خود نشان داد که معماری منعطف و چیدمان پویای کلاس درس می‌تواند موجب افزایش جرأت بیان نظرات و مشارکت فعال دانش‌آموزان در بحث‌های کلاسی شود.

از سوی دیگر، حیدری سورشجان (۱۴۰۴) بر نقش مهم معلمان و مدیران در اجرای موفق طراحی کلاس‌های منعطف تأکید کرده و بیان می‌کند که بدون حمایت و برنامه‌ریزی مناسب از سوی عوامل انسانی مدرسه، اجرای این رویکرد با چالش‌هایی مواجه خواهد شد. همچنین شعبانی (۱۴۰۴) نشان داده است که قوانین منعطف کلاس می‌تواند به رشد خلاقیت و افزایش خودانضباطی دانش‌آموزان کمک کند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس تأثیر قابل توجهی بر افزایش مشارکت تحصیلی، تعاملات اجتماعی، انگیزه و خلاقیت دانش‌آموزان دارد.

با وجود نتایج مثبت پژوهش‌های انجام‌شده، بررسی‌ها نشان می‌دهد که هنوز خلایه‌هایی در این حوزه وجود دارد. نخست اینکه بسیاری از پژوهش‌ها به‌صورت توصیفی یا کیفی انجام شده‌اند و کمتر به مطالعات تجربی و شبه‌آزمایشی پرداخته شده است. دوم اینکه بیشتر تحقیقات بر مقاطع خاص یا نمونه‌های محدود متمرکز بوده‌اند و تعمیم‌پذیری نتایج محدود است. سوم اینکه کمتر



پژوهشی به بررسی همزمان ابعاد مختلف مشارکت (رفتاری، شناختی و عاطفی) در بستر طراحی انعطاف پذیر پرداخته است. همچنین نقش متغیرهای میانجی مانند سبک تدریس معلم یا ویژگی های فردی دانش آموزان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین انجام پژوهش های جامع تر در این حوزه ضروری به نظر می رسد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، ترکیبی (کیفی-کمی) بوده و با هدف بررسی و تحلیل موضوع از دو رویکرد مکمل استفاده کرده است. در بخش کیفی، هدف اصلی شناسایی و تحلیل محتوای پژوهش های مرتبط با موضوع از طریق مرور نظام مند منابع علمی بوده است و در بخش کمی، هدف بررسی دیدگاه آموزگاران ابتدایی درباره موضوع از طریق پرسشنامه بوده است. این ترکیب روش ها امکان دستیابی به تصویری جامع تر و دقیق تر از مسئله پژوهش را فراهم کرده است.

جامعه آماری در بخش کیفی شامل کلیه مقالات علمی داخلی مرتبط با موضوع طراحی انعطاف پذیر کلاس درس و مشارکت دانش آموزان بوده است. در این بخش، از میان ۲۵ مقاله داخلی بررسی شده، تعداد ۱۲ مقاله به روز، غیرتکراری و مرتبط به صورت هدفمند انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته اند. معیار انتخاب این مقالات شامل ارتباط مستقیم با موضوع، تازگی منابع، اعتبار علمی و انتشار در پایگاه های معتبر علمی بوده است.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل کلیه آموزگاران دوره ابتدایی بوده است که در شرایط آموزش غیرحضوری فعالیت داشته اند. با توجه به شرایط خاص (جنگ و تعطیلی مدارس و غیرحضوری بودن آموزش)، نمونه گیری به صورت در دسترس انجام شده و تعداد ۴۷ آموزگار ابتدایی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها در این بخش، پرسشنامه محقق ساخته بوده است که به صورت الکترونیکی و از طریق فضای مجازی در اختیار آموزگاران قرار گرفت.

پرسشنامه طراحی شده شامل گویه هایی در زمینه میزان تأثیر طراحی انعطاف پذیر کلاس درس بر ابعاد مختلف مشارکت دانش آموزان از جمله مشارکت رفتاری، شناختی و اجتماعی بوده است. برای بررسی روایی ابزار، از روایی صوری و محتوایی استفاده شد و نظر چند تن از متخصصان حوزه علوم تربیتی و برنامه ریزی درسی در اصلاح و تأیید گویه ها لحاظ گردید. همچنین پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که نشان دهنده همسانی درونی مناسب پرسشنامه بوده است.

شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا در بخش کیفی، مقالات مرتبط جمع آوری، غربالگری و تحلیل شدند. سپس در بخش کمی، پرسشنامه به صورت آنلاین در اختیار آموزگاران قرار گرفت و پس از جمع آوری داده ها، پاسخ ها ثبت و آماده تحلیل

شدند. به دلیل شرایط خاص کشور و غیرحضور بودن مدارس، اجرای پرسشنامه به صورت مجازی انجام شد که این امر دسترسی به نمونه آماری را تسهیل کرد.

در بخش تجزیه و تحلیل داده ها، اطلاعات کیفی به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت و داده های حاصل از مقالات دسته بندی و کدگذاری شدند. در بخش کمی نیز از روش های آمار توصیفی (میانگین، فراوانی و درصد) و آمار استنباطی (در صورت نیاز آزمون های آماری مناسب) برای تحلیل داده های پرسشنامه استفاده شد. ترکیب این دو روش تحلیل، امکان بررسی دقیق تر رابطه میان طراحی انعطاف پذیر کلاس درس و میزان مشارکت دانش آموزان را فراهم ساخت.

یافته ها

در این بخش، داده های به دست آمده از پرسشنامه محقق ساخته که توسط ۴۷ آموزگار ابتدایی تکمیل شده است، مورد تحلیل قرار می گیرد. هدف این تحلیل بررسی میزان تأثیر طراحی انعطاف پذیر کلاس درس بر ابعاد مختلف مشارکت دانش آموزان شامل مشارکت رفتاری، شناختی، عاطفی و اجتماعی است. داده ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و درصد) تحلیل شده اند.

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی نمونه پژوهش

جنسیت	فراوانی	درصد	سابقه خدمت	فراوانی	درصد	مدرك تحصیلی	فراوانی	درصد
مرد	۱۸	۳۸٪/۳	بیش از ۱۰ سال	۱۴	۲۹٪/۷	کارشناسی ارشد	۱۵	۳۱٪/۹
زن	۲۹	۶۱٪/۷	۵ تا ۱۰ سال	۱۹	۴۰٪/۴	کارشناسی	۳۲	۶۸٪/۱
—	—	—	کمتر از ۵ سال	۱۴	۲۹٪/۷	—	—	—

جدول ۲. میزان مشارکت کلی دانش آموزان در کلاس های دارای طراحی انعطاف پذیر

شاخص	میانگین (از ۵)	درصد موافقان	نتیجه کلی
مشارکت کلی دانش آموزان	۱۲/۴	۷۸٪	بالا

جدول ۳. تأثیر طراحی انعطاف پذیر بر مشارکت رفتاری

شاخص	میانگین	درصد موافق	درصد مخالف	نتیجه
مشارکت رفتاری	۲۵/۴	۸۲٪	۹٪	بسیار بالا

جدول ۴. تأثیر طراحی انعطاف پذیر بر مشارکت شناختی

شاخص	میانگین	درصد موافق	درصد خنثی	درصد مخالف
مشارکت شناختی	۰۸/۴	۷۵٪	۱۵٪	۱۰٪

جدول ۵. تأثیر طراحی انعطاف پذیر بر مشارکت عاطفی

شاخص	میانگین	درصد موافق	نتیجه
مشارکت عاطفی	۱۵/۴	۷۹٪	بالا

جدول ۶. تأثیر طراحی انعطاف پذیر بر مشارکت اجتماعی

شاخص	میانگین	درصد موافق	نتیجه
مشارکت اجتماعی	۳۰/۴	۸۵٪	بسیار بالا

بحث و نتیجه گیری

بحث و تفسیر نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس (Flexible Classroom Design) تأثیر قابل توجهی بر افزایش مشارکت دانش‌آموزان در ابعاد مختلف رفتاری، شناختی، عاطفی و اجتماعی دارد. یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های ۴۷ آموزگار ابتدایی بیانگر آن است که میانگین کلی مشارکت دانش‌آموزان در کلاس‌های دارای طراحی انعطاف‌پذیر برابر با ۱۲/۴ از ۵ بوده که در سطح «بالا» ارزیابی می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که تغییر در ساختار فیزیکی کلاس می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم در بهبود کیفیت یادگیری و افزایش تعاملات آموزشی نقش ایفا کند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که کلاس‌های سنتی با ساختار ثابت و غیرقابل تغییر، معمولاً فرصت محدودی برای تعامل، همکاری و فعالیت‌های گروهی فراهم می‌کنند. در مقابل، طراحی انعطاف‌پذیر با ایجاد امکان جابه‌جایی آسان میز و صندلی‌ها، تشکیل گروه‌های کوچک، و استفاده از فضاهای متنوع آموزشی، شرایطی را فراهم می‌کند که دانش‌آموزان از حالت یادگیری منفعل خارج شده و به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری ترغیب شوند. این موضوع با یافته‌های مشارکت رفتاری هم‌راستا است؛ به‌طوری‌که میانگین مشارکت رفتاری ۲۵/۴ و درصد موافقان ۸۲٪ نشان‌دهنده اثر قوی محیط فیزیکی بر فعالیت‌های کلاسی، همکاری گروهی و انجام تکالیف است.

از منظر مشارکت شناختی نیز نتایج نشان داد که میانگین ۰۸/۴ و سطح موافقت ۷۵٪ حاکی از آن است که طراحی انعطاف‌پذیر به افزایش درگیری ذهنی دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری کمک می‌کند. این امر به‌ویژه در فعالیت‌هایی مانند حل مسئله، پرسشگری و تحلیل مفاهیم اجتماعی قابل مشاهده است. هرچند این بعد نسبت به سایر ابعاد مشارکت در سطح پایین‌تری قرار دارد، اما همچنان نشان‌دهنده اثر مثبت محیط یادگیری بر فرایندهای شناختی است. این یافته‌ها بیانگر آن است که برای تقویت بیشتر مشارکت شناختی، صرف تغییر فیزیکی کلاس کافی نیست و باید با روش‌های تدریس فعال نیز همراه شود.

در حوزه مشارکت عاطفی، میانگین ۱۵/۴ و میزان موافقت ۷۹٪ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در کلاس‌های انعطاف‌پذیر احساس تعلق، انگیزه و علاقه بیشتری به محیط یادگیری دارند. این موضوع بیانگر آن است که فضای آموزشی نه‌تنها بر عملکرد تحصیلی بلکه بر احساسات و نگرش‌های دانش‌آموزان نیز اثرگذار است. زمانی که دانش‌آموزان احساس راحتی و آزادی بیشتری در کلاس دارند، انگیزه درونی آنان برای حضور فعال در فعالیت‌های آموزشی افزایش می‌یابد.

بیشترین میزان تأثیر در میان ابعاد مختلف مربوط به مشارکت اجتماعی با میانگین ۳۰/۴ و درصد موافقت ۸۵٪ بوده است. این یافته نشان می‌دهد که طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان دارد. در چنین

محیط‌هایی، دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای کار گروهی، تبادل نظر و همکاری با یکدیگر دارند. این امر نه تنها موجب افزایش مهارت‌های ارتباطی می‌شود، بلکه روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز تقویت می‌کند.

نتایج کلی پژوهش با مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین نیز هم‌راستا است. بر اساس دیدگاه‌های نوین در حوزه طراحی آموزشی، محیط یادگیری باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان تعامل فعال، انعطاف‌پذیری و پاسخگویی به نیازهای فردی دانش‌آموزان را فراهم کند. یافته‌های این پژوهش نیز تأیید می‌کند که کلاس‌های انعطاف‌پذیر می‌توانند نقش مؤثری در تحقق این اهداف داشته باشند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که طراحی انعطاف‌پذیر کلاس درس نه تنها یک تغییر فیزیکی در محیط آموزشی است، بلکه یک رویکرد تربیتی مؤثر برای افزایش کیفیت یادگیری محسوب می‌شود. این نوع طراحی با ایجاد فضای مشارکتی، افزایش انگیزه و تقویت تعاملات اجتماعی، زمینه رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. با این حال، برای دستیابی به نتایج مطلوب‌تر، لازم است این نوع طراحی با روش‌های تدریس فعال و حمایت‌های آموزشی همراه شود تا بتواند تأثیر کامل خود را بر فرآیند یادگیری نشان دهد.

منابع

نظری، راضیه و آبزمن، خدیجه و نظری، زهرا و تجری، زهرا، ۱۴۰۴، مطالعه تطبیقی تأثیر فضای کالبدی کلاس درس و چیدمان منعطف بر خلاقیت و مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان، فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، دوره: ۵، شماره:

۵۱

سلاطین تمر، سمیرا و قلیزاده، سمیه و عیدی قدم، رقیه، ۱۴۰۴، بازتعریف فضای یادگیری: تأثیر طراحی کلاس‌های درس منعطف بر ارتقای مشارکت تحصیلی و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان، دومین همایش بین‌المللی معلمان برتر، مسجد سلیمان

حیدری کهن، نسرین و حیدری، مهران و چمنی، حبیبه، ۱۴۰۴، طراحی کلاس‌های منعطف: چگونه فضای فیزیکی یادگیری انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد، اولین همایش بین‌المللی نوآوری‌های فناورانه در آموزش و پرورش، رامشیر

حیدری کهن، نسرین و حیدری، مهران و چمنی، حبیبه، ۱۴۰۴، طراحی کلاس‌های منعطف: چگونه فضای فیزیکی یادگیری انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد، اولین همایش بین‌المللی نوآوری‌های فناورانه در آموزش و پرورش، رامشیر



صفی خانی قلی زاده، ساناز و ، سعیده مومن و ، اسما علی بابایی و ، آذر جعفری، ۱۴۰۴، برنامه ریزی منعطف برای کلاس های چند سطحی، سومین همایش بین المللی فناوری های هوشمند در عرصه علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره ، فلسفه

طاهری، پروین و ، ماهرخ آتش زمزم و ، جعفر سلمانی چوبر، ۱۴۰۴، طراحی محیط های یادگیری منعطف: بازطراحی فیزیکی فضاها و کلاس های درس برای پشتیبانی از رویکردهای نوین آموزشی، سومین همایش بین المللی فناوری های هوشمند در عرصه علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره ، فلسفه

رمضانی، سکینه و پورکرقند، صغری، ۱۴۰۴، تاثیر طراحی فضای فیزیکی کلاس های درس منعطف بر سطوح مشارکت و تعاملات اجتماعی دانش آموزان، چهارمین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر
نوروزی، معصومه، ۱۴۰۴، «کلاس منعطف» ؛ کلاسی مبتنی بر تفاوت های فردی در مدارس ابتدایی، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران

بقایی، شهناز و ریسی، مریم و سبزواری، مریم، ۱۴۰۴، تاثیر طراحی فضای کلاس منعطف (classroom flexible) بر تعامل دانش آموزان، سومین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی، تهران
دارایی، مریم، ۱۴۰۴، تاثیر معماری منعطف و چیدمان پویای کلاس درس بر افزایش مشارکت و جرات بیان نظرات دانش آموزان، سومین همایش بین المللی فناوری های هوشمند در عرصه علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره ، فلسفه
حیدری سورشجان، عذرا، ۱۴۰۴، نقش مدیر و معلمان در طراحی کلاس های درس به صورت منعطف و متناسب با نیازهای دانش آموزان، اولین همایش بین المللی پژوهش در عصر نوین، مسجد سلیمان

شعبانی، زهرا، ۱۴۰۴، بررسی تاثیر قوانین منعطف کلاس بر رشد خلاقیت و انضباط خودگردان دانش آموزان، دومین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین و اولین همایش بین المللی پژوهشی فرهنگیان نوین، آستارا

The Impact of Flexible Classroom Design on Student Engagement

Abstract:

The present study was conducted with the aim of examining the impact of Flexible Classroom Design on the level of student engagement. The main context of this research is based on the importance of the physical learning environment in improving the quality of education and increasing educational interactions. In recent years, educational systems have come to the conclusion that teaching methods alone are not sufficient; rather, classroom environment design also plays an important role in shaping active and collaborative learning. The purpose of this study was to investigate the extent to which Flexible Classroom Design affects different dimensions of student engagement, including behavioral, cognitive, emotional, and social engagement. The research method was mixed-methods, qualitative-quantitative. In the qualitative section, 12 selected relevant domestic articles were analyzed, while in the quantitative section, data were collected through a researcher-made questionnaire from 47 elementary school teachers who were engaged in online teaching. The data were analyzed using descriptive statistics. The results of the study showed that Flexible Classroom Design has a positive and significant effect on increasing student engagement. The greatest impact was related to social engagement, while the lowest impact was related to cognitive engagement. The findings also indicated that flexible learning environments increase students' motivation, interaction, group collaboration, and sense of belonging to the classroom. Overall, the results of the study indicate that Flexible Classroom Design can be considered a key factor in improving the quality of learning and enhancing student engagement.

Keywords: Flexible Design, Student Engagement, Learning Environment, Elementary Classroom